

فصلنامه مطالعات شبه قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان
سال هشتم، شماره بیست و هفتم، تابستان ۱۳۹۵ (صص: ۶۲-۴۳)

معرفی میرزا امان الله حسینی و ارزش محتوای رقعات او

مریم براتی ریزی* دکتر علی زمانی علویجه** دکتر زهرا آقا بابایی***

چکیده

از آنجا که نسخه های خطی بازگو کننده گذشته فرهنگ و زبان هر ملتی است، شناساندن و معرفی نسخه های خطی، ورق زدن برگ زرینی از زبان و فرهنگ و تمدن یک ملت است. از جمله این گنجینه ها، نسخه با ارزش رقعات میرزا امان الله حسینی متخلص به «امانی» است که نمونه اعلائی انشای گذشتگان و دارای محتوای علمی، تاریخی، اجتماعی و تربیتی است. این تحقیق پس از تصحیح نسخه خطی امان الله و مقابله آن با دو نسخه آستان قدس رضوی و کتابخانه ملی صورت گرفته است. هدف پژوهش، معرفی نویسنده اثر و احیاء این نسخه خطی به عنوان یکی از ذخایر مکتوب قرن یازدهم و بررسی ویژگی های محتوایی آن، برای نشان دادن ارزش اطلاعات مفید آن است که به روش تحلیل و توصیف متن رقعات انجام شده است.

کلید واژه ها: نسخه خطی، رقعات، امان الله حسینی

مقدمه

ترسل و نامه نگاری از قدیمی ترین فنون نگارش است و از انواع مهم نثر فارسی محسوب می شود که از نظر ادبی، تاریخی، اجتماعی، سیاسی، ارزش و اهمیت بسزایی دارد. با مطالعه و بررسی این نامه ها می توان تجلی صنایع ادبی و ارزش محتوایی نامه ها را دریافت، این آثار اسناد و مأخذ معتبری هستند که برای بررسی و تحقیق در زمینه فرهنگ و تمدن ایران بکار می آیند.

* Email: M.amd_sh@stu.pnu.ac.ir دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور اصفهان

** Email: azamaniajavijeh@es.pnu.ac.ir استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور اصفهان

*** Email: azamaniajavijeh@es.pnu.ac.ir استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور اصفهان

تاریخ پذیرش: ۹۵/۲/۲۰

تاریخ دریافت: ۹۴/۶/۱۵

بیان مسأله و سؤال تحقیق

در کنار نشر کتاب های علمی، تاریخی، دینی و ...، نشر منشآت و مکتوبات یا ترسلات نیز جای خود را باز کرد و کم کم برای خود ساختار و شیوه خاصی ایجاد نمود. این آثار جدای از فواید ادبی، در بر دارنده اطلاعاتی از تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران هستند و پرداختن به آنها در حیطه تحقیقات تاریخی و پژوهش های ادبی، ارزش و اهمیت به سزایی دارد. اگر چه شناخت ارزش این آثار به جای مانده از روزگاران گذشته، برای همه ممکن نیست؛ اما برای اهل فن آشنا به ارزش و بهای گران آنها، این فواید آشکار است. نسخ خطی فارسی بسیاری با عنوان مکتوبات و رقعات در کتابخانه ها و مراکز اسناد یافت می شود که هر یک از این آثار میراث ارزشمند فرهنگی ما به شمار می آیند. این نسخ باید تصحیح و منتشر شوند. هدف از تصحیح نسخه خطی امان الله، پاسخ به این سؤالات است که : ۱- محتوای رقعات امان الله چیست؟ ۲- مخاطبان امان الله در نامه ها چه کسانی هستند؟ ۳- پیام امان الله در این نامه ها، به مخاطبانش چیست؟

ضرورت تحقیق

اهمیت و ضرورت تصحیح نسخ خطی بر کسی پوشیده نیست؛ چرا که یکی از بهترین مشخصه ها برای معرفی اصالت پیشینه فرهنگ کشورها در دنیاست و سند هویت ملی ما ایرانیان، برای آگاهی جویندگان راه علم و نشان دادن نوآوری ها و تحولات علمی گذشتگان ماست و به جهت حفظ اصالت، ضرورت دارد که به تصحیح متون اقدام کنیم. با تصحیح نسخه خطی رقعات میرزا امان الله، با نامه نگاری قرن ۱۱ و ۱۲ آشنا شده به اطلاعات گوناگونی از این دوره دست می یابیم.

پیشینه تحقیق

رقعات میرزا امان الله حسینی تا کنون تصحیح نشده است. اصل این نسخه متعلق به موزه کراچی می باشد که در کتابخانه گنج بخش و مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان (اسلام آباد) نگهداری می شود. علاوه بر آن دو نسخه دیگر از این نامه ها، در بخش نسخ آستان قدس رضوی و کتابخانه ملی ایران موجود می باشد.

سابقه نامه نگاری و مکتوبات

سابقه نامه نگاری در ایران به دوران هخامنشیان و مادها برمی گردد. در آن دوره واژه ها را با خط میخی بر روی پوست دباغی شده حیوانات می نوشتند و سپس آن را به دست چپار می دادند تا به

مقصد برساند. البته قبل از میلاد، نگارش جز در دوایر دولتی و دربارها کاربردی نداشته است. از ۱۸۰۰ سال پیش که کاغذ توسط چینی ها ساخته شد، نامه‌نویسی روی کاغذ و کتاب‌نویسی پدید آمد و امر نامه‌نویسی آسان‌تر شد. (امینی، ۱۳۷۹: ۴۳، پوراکبر، ۱۳۸۲: ۸-۷)

هردوت از نامه‌ای که در اواخر دوره ماد از طرف هارپاک از خویشاوندان آستیاک (ایشتویوگ) آخرین پادشاه ماد به کوروش نوشته شده، یاد می‌کند این نامه را هارپاک در شکم خرگوشی جای داد و به وسیله پیکی که او را به لباس شکارچیان درآورده بود، برای کوروش به پارس فرستاد و وی را برای خروج و تسلط بر ماد و تشکیل دولت واحدی از پارس و ماد، تشویق و ترغیب کرد. (ثابتیان، ۱۳۴۳: ۱۵)

برخی از آثار یاد شده پیش از اسلام، به طور پراکنده در کتب تاریخ و ادب عربی، توسط نویسندگان و مورخان نقل و اقتباس شده است، از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

کتاب «التاج» که ابن مقفع آن را به زبان عربی ترجمه کرد و بنا به تصریح نویسندگان، بیشتر روایات پراکنده که در باب برخی مکاتیب زبان پهلوی در دست است، از این کتاب اخذ شده و یکی از فصول آن درباره مکاتیب زبان پهلوی و ضوابط فن نویسندگی در آن دوره بوده است. "پاسخ انوشیروان"، قسمتی از نامه شاپور اول خطاب به کارگزاران خود، قسمتی از فتحنامه بهرام گور پس از شکست خاقان، قسمتی از مکتوب انوشیروان به فاذوسبان در آذربایجان، نامه پرویز به شیرویه در پند و اندرز و پاسخ او، نامه قباد به خسرو انوشیروان، قسمتی از نامه جاماسب به ارمنستان، نامه‌ها و فتحنامه‌هایی که فردوسی در «شاهنامه» از متون پهلوی اقتباس نموده است. نامه تنسر هیربدان، همچنین نامه‌هایی از مکاتیب ایران باستان که مورخان و محققان عهد اسلامی، مانند طبری، ابن قتیبه، ابوالفداء، مسعودی و دیگران در آثار خود یاد می‌کنند که اثری از آنها در دست نیست (خطیبی، ج ۱، ۱۳۷۵: ۲۸۸-۲۸۵ و ثابتیان، ۱۳۴۳: ۱۴-۲۷).

قدیمی‌ترین اثری که به زبان پهلوی در فن ترسل به دست آمده رساله کوچک «آیین نامه نویسی» است. این کتاب در بر دارنده نمونه‌های ویژه مکاتبه در موارد گوناگون و به افراد مختلف است. این متن دارای چهل و پنج بند است. (ر.ک: صاحبی، ۱۳۸۸: ۵۳)

مکتوب دیگر «آیین مدیریت و نامه‌نگاری دولتی ایران» است. این آیین نامه یک بخشنامه اداری بود که در دوران سلطنت خسرو انوشیروان ساسانی برای مقامات دولتی ارسال شده بود تا موارد آن را رعایت کنند. این آیین‌نامه توسط مهاجران پارس در قرن هفتم میلادی به هند برده شده است که به دست تاراپود افتاد و به نسخه تاراپود مشهور است. (ر.ک: جعفری، ۱۳۸۷: ۸)

قدیمی‌ترین مکاتیب فارسی که از عهد اسلامی در دسترس ماست، مربوط به نیمه اول قرن پنجم هجری و دوره زمامداری سلطان مسعود غزنوی است، از این دوره چند مکتوب به انشاء ابونصر مشکان (صاحب دیوان رسایل محمود غزنوی متوفی ۴۳۰ه) در تاریخ بیهقی دیده می‌شود. علاوه بر آن در تاریخ بیهق از اثری به نام «زینة الکتاب» نام برده شده است که آن را اثر قلم ابوالفضل بیهقی و در آیین و آداب کتابت و انشاء می‌شمارد، بیهقی در آن مراسلات دیوانی را جمع آوری کرده بود، از آن کتاب به عنوان «مکاتبات محمودی» نیز یاد شده است که متأسفانه هیچ اثری از آن در دست نیست. (صفا، ۱۳۴۸، ج ۱: ۹-۱۰، ج ۱: ۹۴۱)

از مکتوبات قرن پنجم و اوایل قرن ششم، منشآت حکیم عالی قدر و عارف وارسته سنایی غزنوی است که شامل هفده نامه و خطاب به یاران خود و وزرا و حکام و صدور غزنین و بهرامشاه غزنوی است. منشآت خاقانی شاعر بلند آوازه قرن ششم نیز در بر گیرنده چند نامه است که به خویشاوندان و نزدیکان و صدور و بزرگان و شهریاران روزگار خود نوشته است (خطیب رهبر، ۱۳۶۱: ۱۶-۱۷ و روشن، ۱۳۴۹: ب).

از دیگر منشآت قرن ششم «عته الکتبه» است. مجموعه‌ای گرانبها از مکاتیب دیوانی و اخوانی که به قلم منتجب‌الدین علی بن احمد کاتب جوینی، منشی و رئیس دیوان رسایل سلطان سنجر سلجوقی نگارش یافته است. منتجب‌الدین از پایه‌گذاران نثر مصنوع و متکلفانه در رسایل فارسی است و اثر او در فن نامه نگاری و ترسل مورد توجه و تقلید دبیران و منشیان دربار بوده است (بدیع، ۱۳۲۹: الف، ز، و صفا، ۱۳۴۸، ج ۲: ۹۷۲، شمیسا، ۱۳۹۰، ج ۲: ۳۷۷-۳۷۸، و خطیب‌رهبر، ۱۳۶۱: ۱۰). از میان نامه‌های بسیار مهم قرن هفتم باید به مکتوبات مولانا جلال‌الدین محمد بلخی مشهور به رومی عارف نامدار اشاره کرد. آن رسایل، سفارش‌نامه‌هایی است که به خاطر مریدان و نیازمندان به اشخاص ذی نفوذ نوشته است و کمتر نامه‌ای دیده می‌شود که در آن اثری از معرفت و لطافت و طریقت نباشد و به جز چند نامه صوفیانه، در مابقی نامه‌ها، تکلفات بسیار به کار رفته و القاب و عناوین ابتکاری به حدی ذکر شده که به جز با دقت زیاد تشخیص نام شخص مخاطب دشوار است. مجموعه مکتوبات، حاوی صد و چهل و چهار نامه است.

از مجموعه منشآت که در قرن نهم تدوین و تألیف گردیده «فرائد غیائی» است. از این مجموعه تنها ۳۱۸ نامه در دو جلد به کوشش حشمت‌الله مؤید تصحیح شده و به چاپ رسیده است. یکی دیگر از منشآت تألیف شده در قرن نهم، «همایون نامه» است. مؤلف آن، محمد بن علی بن جمال-الاسلام ملقب به «منشی» یا «شهاب منشی»، از مردم یزد بوده است. «همایون‌نامه مجموعه‌ای از

مناشیر و فرمان‌ها و رسایلی است که مؤلف، آن را به نام خواجه غیاث الدین پیراحمد خوافی تألیف کرده است. رقععات جامی، مجموعه دیگری از مراسلات همین عصر و از مهمترین نمونه‌های مکاتیب دوره مذکور است که برخی از آنها متعلق به جامی، عارف و شاعر قرن نهم و بعضی دیگر اثر عمادالدین گاوآن است که در این مجموعه وارد شده است (صفا، ۱۳۴۸، ج ۱: ۶۱، ج ۵: ۲۵۶). در دوره صفویه (از آغاز قرن دهم تا میانه دوازدهم)، غیاث‌الدین خواندمیر مورخ بزرگ عهد تیموری، کتابی به نام «نامه نامی» در بین سال‌های ۹۲۵ تا ۹۳۰هـ تألیف کرده است. او در این اثر نمونه‌هایی از نامه‌های شاهان، وزیران، دیوانیان، علما، مشایخ، قضات، دهقانان، بازرگانان، مستوفیان، صاحبان حرف، خویشاوندان و دوستان اعم از تبریک و تسلیت و فرمان‌ها را با توضیحات کافی و مثال‌هایی برای فراگیران انشاء آورده است (صفا، ۱۳۷۲، ج ۳: ۵۱۳، ۱۵۹۴).

از مکاتیب دیگر «بدایع الإنشاء» اثر یوسف بن محمد معروف به یوسف هروی است، که در سال ۹۴۰ در هند تألیف شده است. مکاتبات شیخ ابوالفضل دکنی که مراسلات اخوانی او به نام «رقعات شیخ ابوالفضل» مشهور است. از دیگر مراسلات این عهد، باید از مکاتبات فیض دکنی (م ۱۰۰۴هـ) و «منشآت نمکین» از شاعر و نویسنده دربار اکبرشاه، ابوالقاسم خان نمکین هروی، معاصر برادران دکنی یاد کرد که در سال ۱۰۰۶ تألیف شده است و در برگیرنده نامه‌های رسمی و خصوصی با توضیحاتی درباره دستور نامه نگاری و عناوین و القابی است که به تناسب مقام و منصب مخاطبان به کار می‌رفته است (همان: ۱۵۹۵-۱۶۹۷، ۱۵۹۷-۱۷۰۱)، ابوالبرکات منیر لاهوری (م ۱۰۵۴هـ) صاحب دو مجموعه از منشآت به نام‌های «نگارستان» یا «نگارستان منیر» و «نوباوه» است. محمد صالح لاهوری منشآت به نام «بهار سخن» دارد. علاوه بر همه این‌ها «رقعات برهمن» از برهمن (م ۱۰۶۸ یا ۱۰۷۳)، «رقعات والجاهی»، «رقعات عالمگیری»، «رقعات عزیزی» و «رقعات امانی» از دیگر منشآت دوره سلاطین گورکانی هند هستند (همان: ۱۵۷۹-۱۵۹۷ و شمیسا، ۱۳۹۰، ج ۳: ۲۸۹-۲۹۰، صفا، ۱۳۴۸، ج ۱: ۱۴۶-۱۴۷).

این روند در منشآت تقریباً تا قرن سیزدهم ه.ق و عهد فتحعلی‌شاه ادامه یافت تا آن‌که قائم مقام فراهانی (۱۱۹۳-۱۲۵۱ه.ق) از طریق منشآت خود ساده نویسی را متداول کرد و بی‌گمان منشآت او یکی از شاهکارهای نثر فارسی است. نویسندگی او به ایجاب ضرورت بوده نه از راه تفنن یا هنرنمایی. از پیروان موفق قائم مقام، امیر نظام گروسی (۱۲۳۶-۱۳۱۸ه.ق) است که در آوردن اصطلاحات و تعبیرات عامیانه مهارت زیادی داشته است. از هم‌عصران امیر نظام، فرهاد میرزا

معمدالدوله (۱۲۳۳-۱۳۰۵ ه.ق) بود که در به کار بردن لغات فارسی سره اهتمام می‌ورزید ولی لغات عربی نیز به ناچار به کار برده است (مهدی‌زاده، ۱۳۷۵: ۶۶، ۶۷، ۱۵۴).

معرفی میرزا امان‌الله حسینی

رقعات امانی متعلق به «خان زمان بهادر خانزاده فیروزجنگ، میرزا امان‌الله حسینی متخلص به «امانی» می‌باشد. میرزا امان‌الله در عهد پادشاهی شاه جهان مقامی بلند یافت و صوبه داری چند ولایت به عهده او گذارده شد. چند سالی به ملازمت شاهزاده محمد اورنگ زیب بهادر در دولت آباد به سربرد و به سال ۱۰۴۷ ه.ق درگذشت.

جان به لب دارد امانی چون چراغ صبحدم
جنبشی زان آستین خواهم که کار آخر شود»
(صفا، ۱۳۷۲: ۳۸۹)

در شجاعت و سپاهگیری یگانه بود و با وجود این، تواضع بسیار داشت از آثار گرانبهای او رقعات، شامل نامه‌های کوتاهی است که به خواهش دوستان و بزرگان عصر خود نوشته است. "دیوان شعر، کتاب تاریخی متضمن حالات جمیع سلاطین زمین، مجموعه ای به نام گنج باد آورد، فرهنگ مشروح چهارعنصر دانش، شامل واژه‌های فارسی و عربی است که آن را به نام شاه جهانگیر و به فرمان او نوشت. متن کتاب در چهار بخش، هریک به نام "عنصر" ترکیب یافته است. عنصر نخستین لغتنامه عربی است که لغتهای آن از قاموس صراح، کنزاللغات، کشف اللغات و جز آنها صورت گرفته است. عنصر دوم شامل واژه‌های فارسی، عنصر سوم ترکیبهای مجازی و استعاری و لغتهای زند و پازند، عنصر چهارم اصطلاحات پزشکی است. کتابی در پزشکی به نام ام‌العلاج، از او به یادگار مانده است. دیوان اشعار او از بین رفته است" (صفا، ۱۳۷۲: ۳۸۹-۳۹۰)

همان گونه که میرزا امان‌الله حسینی "در نثرنویسی توانا بوده، در شعر گویی و غزل سرایی نیز به همان اندازه قادر و ماهر بوده است :

ییگانه خویشم آشنا می‌خواهم
چون غنچه مهبای شکفتن شده‌ام
در پهلوی عندلیب جا می‌خواهم
تحریریک نسیمی از صبا می‌خواهم"
(فخرالزمانی، ۱۳۳۸: ۷۶۶)

به یاد کعبه چه سر میزنی خدا اینجاست
کتابخانه عالم ورق ورق جستم
به طرف مروه کجا می‌روی، صفا اینجاست
خط تو دیدم و گفتم که مدعا اینجاست
(فخرالزمانی، ۱۳۳۸: ۷۶۶)

غیر پندارد به سر دستار زر پیچیده‌ام
این نه دستار است، بر سر درد سر پیچیده‌ام

من نه آن پروانه‌ام کز شعله خاکستر شوم این چنین آتش بسی در بال و پر پیچیده‌ام
(فخرالزمانی، ۱۳۳۸: ۷۶۷)

نسخه رقعات او شامل ۹۹ رقعہ حاوی نامه های رسمی و دوستانه، با سربندهای رقعہ خطاب به اشخاص مختلف و به خط نستعلیق است که امان الله آن را به خواهش دوستان و ابناء روزگار نوشته است. اصل این نسخه هندی است در کتابخانه گنج بخش مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان به شماره خطی ۷۵۸۴ در ۹۶ صفحه با موضوع ادب فارسی، نشر که در قرن ۱۳ ه. ق کتابت شده، و با دو نسخه دیگر مورد تطبیق قرار گرفته است. مشخصات نسخ موجود رقعات میرزا امان-الله حسینی به شرح زیر است:

نسخه کتابخانه گنج بخش

شماره خطی: ۷۵۸۴، اسم کتاب: رقعات امانی، مؤلف: امان الله امانی، موضوع: ادب، فارسی، نشر، تعداد صفحات: ۹۶ ص، کتابت: ۱۳ هجری قمری، شماره سی دی: ۲۶۶۴/۲۱۹، مشخصات ظاهری: نوع کاغذ هندی نخودی، خط نستعلیق، عنوان رقعہ‌ها با جوهر سنگرف قرمز و متن با جوهر مشکی، صفحه‌ها دارای حاشیه قرمز می‌باشند.

نسخه آستان قدس رضوی

شماره امالی: ۴۲۳۳۹، شماره خصوصی: ۲۵۷، موضوع: ادبیات فارسی: قرن ۱۲، صفحات: ۲۸ ورق، طول: ۲۰/۵ * ۱۱/۵، نوع جلد: عنابی فرنگی، کاغذ نخودی آهار مهره، کاتب: محمد حنیف، ملاحظات: جهت برخورداری محمد اسماعیل.

نسخه کتابخانه ملی

شماره بازبایی: ۵-۶۴۶۲، مؤلف: امان الله حسینی، وضعیت استنساخ: ۱۲۴۴ ق، مشخصات ظاهری: نوع کاغذ هندی نخودی، خط نستعلیق، جلد مقوایی با روکش کاغذی نقش دار، عطف و گوشه‌ها پارچه قرمز.

در رسم الخط نسخه امان الله حسینی، تمام جمله‌ها کوتاه و موجز و با عنوان رقعہ شروع و با جملات دعایی و آیات قرآنی به پایان می‌رسند. احادیث و ترکیبات عربی در متن به وفور به چشم می‌خورند. فعل‌های وصفی در متن دیده می‌شوند. امان الله در رقعات رعایت اختصار را کرده است. از حیث سجع میانه روی کرده و گاهی به موازنه‌های لطیف اکتفا می‌کند.

متن نسخه از صفحه ۱ تا ۹۶ به خط نستعلیق و تقریباً خوانا نوشته شده است. نقطه‌های زیر و زیر حروف، در بسیاری از موارد حذف، جا به جا یا اضافه گذاشته شده است. «س و ش» در اکثر موارد

بدون دندان. «گ» همه جا با یک سرکش و به صورت «ک» نوشته شده است: صورت وهمی بر لوح روزگار او پیدا شده است. (ص. ۱۶) تجمع نقطه در کلمات مشتمل بر چند حرف نقطه دار، «ی» به صورت دو نقطه در زیر نوشته شده است.

نسخه اساس رقعات از رقعۀ ۱۳ تا ۳۶، ۵۳ و ۶۰ را ندارد، مخدوش بودن و افتادگی کلماتی از نسخه نشانه کهنگی و فرسودگی در اثر رطوبت است. ادامه رقعۀهای ساقط شده از نسخه آستان قدس رضوی می‌باشد که با علامت اختصاری «ق» نشان داده شده است. یکی از ویژگی‌های ممتاز متن، جمله‌های کوتاه با حذف افعال به قرینه است.

استشهاد و تمثیل به آیات، ذکر شواهد شعری، تقلید از نثر فنی عرب، استفاده از استعارات و تشبیهات، ترکیبات و تعبیرات، رعایت ایجاز، دوری از تکلف و تسجیع‌های ملالت‌آور و به کارگیری تعابیر عربی، قیدها، دعاها، در این سبک نثری مانع آن شده که مهجور بودن و قدمت برخی کلمات از جاذبه آن بکاهد. او با استفاده از آرایه‌های ادبی، زیبایی و آهنگ دلنشینی در رقعات فراهم آورده است.

ویژگی های رسم الخط رقعات امانی

۱- نوشتن «گ» بدون سرکش و به صورت «ک» در نکارخانه ستم او پیداست... (حسینی، ۱۳۰۵:ق: ۱۴).

۲- «س و ش» در اکثر موارد بدون دندان نوشته شده است.

۳- حرف «ب» همه جا متصل به اسم ما بعد خود است: «صورت‌الواقعه در آینه صدق بطریق نصایح...» (حسینی، ۱۳۰۵:ق: ۵).

۴- همه جا شناسه‌های آخر فعل ماضی به شکل شناسه ماضی نقلی نوشته شده‌اند: «سرا پا خواهش و طمع اند» (حسینی، ۱۳۰۵:ق: ۴۱).

۵- اتصال «می» آغاز فعل های مضارع در همه رقعۀها: «هر چند سعی میکند...» (حسینی، ۱۳۰۵:ق: ۲۰)

۶- عطف پیاپی جمله‌ها به یکدیگر.

۷- ضمیر اشاره «این و آن» در همه رقعۀها متصل به اسم مابعد خود است «درینباب هر چند تخم نصیحت کاشت...» (حسینی، ۱۳۰۵:ق: ۲۱).

۸- نوشتن حرف «ن» نفی جدا از فعل: «ابرام نه نمود...» (حسینی، ۱۳۰۵:ق: ۲۶)

۹- در جای جای نسخه غلط های املائی دیده می شود.

۱۰- بعضی از کلمات گاه در حاشیه و یا در زیر آن معنی شده است «سوی نیکی و نیک‌نامی آماج نسازد...» [هدف‌گاه] (حسینی، ۱۳۰۵:ق: ۱۶).

۱۱- همزه «است» در اکثر موارد حذف شده است. «در دجله آن مخدومی گرفتار و حیرانست...» (همان: ۶۹).

بررسی محتوای رقععات

امان‌الله حسینی بر اساس رسم متداول در سایر کتاب‌ها، در ابتدای اثر خویش به حمد و ستایش خداوند پرداخته و عبارت او در این بخش مزین به حدیث قدسی می‌باشد. «حمد وافر خدای را که، یا قوت قوت ناطقه بی بها، در عقد انشای کبریای او، بی‌بهاست و آفتاب طبیعت در آسمان بیان ثنای او، لاغر چون سها، و نعمت متکثر سروری را که رقعۀ "لولاک لما خلقت الأفلاک" حرفی از کتاب کرامت اوست» (حسینی: ۱۳۰۵ هجری: ۲).

در مقدمه، به علت نگارش رقععات اشاره کرده است «...عاقبت کار، وفور خواهش ابنای روزگار بر آن آورد که از درج خمول برآورده زیب و زینت عروس ایام دهدتا زمان حال را دستکاری و استقبال را یادگیری باشد...» (حسینی، ۱۳۰۵:ق: ۳). در قسمت مقدمه از کاربرد «را» به معنی «برای»، واج‌آرایی، و تشبیه صریح استفاده شده است.

رقعۀ اول به خدمت اقبال پناه میرزا جلال‌الدین، دیوان کاشغر، به سفارش درویشی که عیال بسیاری داشت، نوشته شده است. «...ساعات به حسنات اوقات مقرون باد. گشایش قفل حجره عیش اینجانب وابسته به کلید توجه آنجناب است و صدف دل، در دریای وجود این معتقد حامل دُر گرانبایه اخلاص آن معانی نصاب است...» مضمون این رقعۀ، شباهتی دارد به مضمون نامه‌های مولوی بلخی و امان‌الله در ضمن آن، برای اداره خانه و خانواده عیال‌وار درویشی، تقاضای کمک مالی کرده است. (حسینی، ۱۳۰۵:ق: ۴).

رقعۀ دوم در جواب نوشته مولانا وجهی است و شامل خبر کذب مصیبت بزرگی بوده است و وقتی درستی خبر مشخص نشده به طریق نصیحت مطالبی را متذکر شده است. «...بعضی سخنان اراجیف از زبان قلم بدیع‌الرقم به گوش سامع رسید، به مجرد رسیدن آن، ناخن شک چهره یقین خراشید، زنهار زبان قلم و قلم زبان از گفتن و شنیدن این چنین مقدمات نگاه دارند... امان الله با نوشتن مثل «زبان سرخ سر سبز می‌دهد بر باد» در فهم کلام کوشیده است. نامه مضمون تعلیمی دارد. (حسینی، ۱۳۰۵:ق: ۶).

رقعه سوم در خدمت خواجه ظهیرالدین درباره نامرادی است که در نظر خواجه با اخلاص می نمود ولی خلاف آن ظاهر شده بود. «...چون دینار وفا از صره صدق و صفای حامل محبت نامه، بارها در صراف خانه امتحان مالک دینار آمده و زر اخلاص در محک آزمایش، تمام عیار؛ فلاجرم کلاه جاه از تارک استکبار فرو نهاده معروض می دارد...» ویژگی بارز این رقعہ کاربرد اضافه استعاری و جمع بستن اسمهای به کار رفته برای غیر عاقل با «ات» می باشد. این رقعہ موضوع تربیتی دارد. (حسینی، ۱۳۰۵: ق: ۷)

رقعه چهارم را در شفاعت شخصی که در مورد مولانا حبیب کشمیری مرتکب شکایت شده، نوشته است. «شمع خاطر شریف از باد صرصر شکایت حامل محبت نامه، اضطرابی به هم رسیده بنابراین مومی الیه نقد توبه و استغفا در دامن عجز و انکسار انداخته، به هزار الحاح معتصم به حبل المتین شفاعت است...» در این رقعہ از آیه ۱۳۴ سوره آل عمران در مفهوم «فرو خوردن خشم» و آیه ۵۸ بقره در مفهوم «خدا نیکوکاران را دوست دارد» استفاده شده است. (حسینی، ۱۳۰۵: ق: ۸)

در رقعۀ پنجم امان الله نامه را در باب تسلیت به شیخ محمود مستوفی در مصیبت فوت فرزند نوشته، لحن او در این رقعہ تأثیرگذار و موجد احساس است. «... قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ، تا کاتب اجل به کذلک جانگزایی آن نقطه دایره لطافت را از صفحه روزگار تراشیده، روز روشن در چشم جهان بین دوستان تیره نمودند شب دیجور شده؛ فاما چون خورشید لطف مقدر مطلق و مدبر برحق کوهستان صبر را گوهر معیت ارزانی فرموده، طالب آن گوهر باید بود...» مضمون این نامه، اظهار همدردی با دیگران و شرکت در غم و شادی آنان است. (حسینی، ۱۳۰۵: ق: ۹)

رقعه ششم را در باب شکایت از روزگار و اینکه شیرینی صفا و صمیمیت از دلها، رفته و همدلی دیگر وجود ندارد، نوشته است «دو جان نیست که ایشان را در بازار اخلاص چون دو دیده یگانگی بضاعت باشد...» این رقعہ مضمون اخلاقی، تربیتی دارد. (حسینی، ۱۳۰۵: ق: ۱۱)

رقعه هفتم اشاره به جایز الخطا بودن انسان دارد. «...آدم که ابوالبشر بود مرغ روح او از آشیانه جنت به طمع دانه گندم در دام حرص افتاده تا به دیگری چه رسد. به هر حال تقصیر و تردامنی سنت آبا و اجداد بنی آدم است...» آرایه برجسته این رقعہ تلمیح به خطای آدم و دور ماندن او از بهشت و تضمین به غزل شماره ۳۴۰ حافظ است و موضوعی تربیتی دارد. (حسینی، ۱۳۰۵: ق: ۱۲)

رقعه هشتم در خدمت مولانا مؤمن ماوراءالنهری در مورد این است که لباس سلوک باید از رنگ تکلف به دور باشد و از افراط و تفریط بپرهیزند «...هر که را خانه وجود از چراغ دانش روشن

است، نیک داند که لباس سلوک آدمی از رنگ تکلف ساده باید تا آیت خجالت از ناصیه عزم وقت او افراط و تفریط نخواند...» این رقعه در آداب لباس پوشیدن صوفیان است (حسینی، ۱۳۰۵: ق: ۱۲).
رقعه نهم را به خدمت عنایت خان در سفارش بیچاره‌ای که چهار دختر داشت و از تهیه جهیزیه آنها عاجز بود، نوشته است. «...حامل نمیقه قطب فلک استقامت است؛ فاما چون فکر تجهیز بنات که لیل النهار بنات النعش وار گرد او سایر و دایرند، مومی الیه را سراسیمه نمود...» استفاده از جناس ویژگی بارز این رقعه است. موضوع این رقعه، مانند رقعه اول درخواست کمک برای خانواده‌ای نیازمند است (حسینی، ۱۳۰۵: ق: ۱۴).

رقعه دوازدهم را در سفارش صبوری و آرامش دادن به دل در هر کاری، در جواب نامه فضایل پناه شیخ عمر، می‌نویسد. «...عزیز من تا نقش محبت از لوح دل محو نکنی و صورت مودت مسقط الرأس از آینه حال فراموش نسازی ممکن نیست که حرفی از مراد بر لوح عزم خوانی...» این رقعه مزین به قسمتی از آیه ۷۷ سوره نمل «می‌باشد و مضمونی تربیتی دارد» (حسینی، ۱۳۰۵: ق: ۱۷).
رقعه سیزدهم را به شیخ سلیم در مورد آشفتگی و پریشان حالی خود نوشته است. «...حقایق آگاهها هرچند در این سفر دریای تکلیف بلا را شنا نموده و می‌نمایند، چه فایده که زورق امید به ساحل نجات نمی‌رسد...» در این رقعه از آیه ۵۱ سوره توبه استفاده کرده، این مفهوم را می‌رساند که آنچه را خدا مقرر کرده اتفاق می‌افتد. (حسینی، ۱۳۰۵: ق: ۱۸)

رقعه پانزدهم (ق) را در سفارش نامرادی تحریر کرده است. «...دیری است که فلک غدار خشک آزار بر مرکز حنوط او ریخته مانع شاهراه شده است، اگر بر مرکب عنایت سوار نموده، به شهر آرزو رسانند غایت احسان خواهد بود...» نامه مضمون اجتماعی و تربیتی دارد. (حسینی، ۱۳۰۵: ق: ۱۱)
رقعه هفدهم (ق) را در سفارش ملازمان پیر و دستگیری از آنها در وقت پیری نوشته است. «دردمندی که گوهر عنفوان جوانی به محبت بیدادی باخته باشد، در وقت پیری که آیت و علامات ز بی‌اعتباری است کجا رود؟ این چنین نامرادان را از نظر دور انداختن و با جمع جدید ساختن، تمام نادانی است...» ویژگی بارز این رقعه، حذف افعال به قرینه لفظی است. مضمون اخلاقی، تربیتی دارد. (حسینی، ۱۳۰۵: ق: ۱۲)

رقعه نوزدهم (ق) را در سفارش به قناعت در جواب میرزا بدیع‌الزمان نوشته است. «عزیز من تا توانی بر وساده قناعت تکیه زده به حلیه خداشناسی عروس حال را محلی سازی...» آرایه بارز این رقعه تضمین به قصیده ۱۸۴ دیوان سنایی می‌باشد. موضوع تربیتی دارد. (حسینی، ۱۳۰۵: ق: ۱۴)

رقعه بیستم (ق) را با مضمون اخلاقی، تربیتی به حاکم قصبه که مأموری ظالم بود نوشته است و تأکید او بر این است که هرکس ظلم و ستم کند نتیجه آن به خودش بر می‌گردد... صورت هر ستمی که در ورق خیال تصور توان نمود، در نگارخانه ستم او پیداست و نقش هر ظلم که در لوحه عقل توان نگاشت در کتاب ظلم او هویدا...» (حسینی، ۱۳۹۵: ق: ۱۴)

رقعه بیست و یکم (ق) را در باب ترک صحبت با بدان از جمله همنشین بخیل، نوشته است... ندیمی بخیل هر جا قلم‌وار قدم او برسد، صفحه جمعیت را تیره و سیاه سازد... این رقعه مزین به حدیث نبوی «خُذْ مَا صَفَا وَضَعْ مَا كَدِرَ» می‌باشد... (حسینی، ۱۳۹۵: ق: ۱۵)

رقعه بیست و سه (ق) در نصیحت به شیخ محمد در باب اینکه در راه سکوک جز نیکی و نیک‌نامی، طریق دیگری را پیش نگیرد و باز ناامید از این مسئله می‌گوید: «از صد سخن به حيله یکی گوش می‌کنی، آن هم نگفته‌ام که فراموش می‌کنی...» در آخر رقعه توجه به این مسئله را از جمله ضروریات می‌داند. ویژگی برجسته این رقعه تضمین به باب هفتم گلستان سعدی، در آداب صحبت، می‌باشد. رقعه مضمون تربیتی دارد. (حسینی، ۱۳۹۵: ق: ۱۶)

رقعه بیست و پنجم (ق) در سفارش به وفاداری و وفاق و ترک کینه و نفاق به اخوان‌الصفاء میر کمال نوشته است. «صندوق سینه مؤمن گنجینه وفا و وفاق باید نه بندوق کینه و نفاق، که از او غیر از صدای وحشیت برنیاید...» در این رقعه از آرایه تضاد استفاده کرده است. مضمون رقعه تربیتی است. (حسینی، ۱۳۹۵: ق: ۱۷)

رقعه بیست و هفتم (ق) در تصفیه باطن و رفع حجاب نفسانی نوشته و این رقعه را با حدیثی از حضرت علی (ع) زینت بخشیده است. «پیوسته حجره عبادت او به شمع ریاضت منور باد، قصر دل را از نور چراغ معرفت الهی روشن باید ساخت؛ لامحاله ظلمات نفسانی در او نایاب خواهد ساخت...» مضمون تربیتی دارد. (حسینی، ۱۳۹۵: ق: ۱۸)

رقعه بیست و هشتم (ق) در سفارش خدمت به درویشان نوشته شده است. «عزیز من خادم درویشان باش؛ لابل خاک پای ایشان، تا توانی نقد نفعی از صره سیرت این طایفه به دست آور...» این رقعه آرایه تضاد دارد و دارای مضمون اخلاقی، اجتماعی است. (حسینی، ۱۳۹۵: ق: ۱۸)

رقعه سی‌ام (ق) را در سفارش به اخلاص و در مورد اینکه تا در مورد چیزی آگاهی ندارید، قضاوت نکنید و انگشت تعرض بر آن نگذارید، با آوردن آیه ۲۶ سوره فتح در وضوح مفهوم کلام کوشیده است. «...روشن ضمیرا، فطانت کنیرا، عزیزی که سلک اخلاص او به جواهر ثنای منتظم بود زبان

اعتراض بر صورت حال او تمام بی انصافی است....» رقععه موضوع اخلاقی، تربیتی دارد. (حسینی، ۱۲.ه.ق: ۱۹)

رقعه سی و یکم (ق) را در مورد نیکی و احسان به بیچارگان نوشته و عمل به آن را غایت احسان می‌داند. در آخر رقععه برای درک بهتر کلام آیه ۱۱۵ سوره هود را آورده است. «دیری است که فلک غدار، خسک آزار بر مرکز خطواط او ریخته مانع شاهراه مصر شده، به امیدواری تمام عزم طواف آن قبله مقصود مطمح نظر ساخته، مستوجب ملازمت است. إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ» رقععه موضوع تعلیمی و تربیتی دارد. (حسینی، ۱۲.ه.ق: ۲۰)

رقعه سی و دوم (ق) را در باب شکایت شخصی بخیل نوشته است که هیچ نصیحتی در او اثرگذار نبود و آن را به زمین شوری تشبیه کرده که هیچ تخمی در او بارور نمی‌شود. در این رقععه از حکایت ۴۲ گلستان، باب دوم، در اخلاق درویشان استفاده کرده است. «...سلوک خست را شیوه روزگار خود ساخته از کمترین خوشه‌چینان قرار داد، در این باب هرچند تخم نصیحت ریخت، از آنجا که زمین اجابت او شور بود، برنیاید. خوی بد در طبیعتی که نشست، نرود جز به وقت مرگ از دست...» مضمون اخلاقی، اجتماعی دارد. (حسینی، ۱۲.ه.ق: ۲۰)

رقعه سی و شش را در جواب نامه دوستی در مورد تناسب علم رمل (استعلام از مجهولات احوال عالم)، نوشته است. «در شرح آرزوی آن نیکو خصال، زبان مقال لال است. سلوک از این مقدمه مناسب آنکه از شکایت ابنای روزگار مندرج بود، در طریق سرداری تا ترکیب معونت و غمخواری جمع نشود، شکل جماعت بر صفحه بیاض جمعیت پیدا نیاید...» رقععه مضمون علمی دارد. (حسینی، ۱۳.ه.ق: ۲۲)

رقعه سی و هفت در جواب پرسش دوستی درباره درد سر، نوشته شده است که رقععه مخدوش می‌باشد. این رقععه با موضوع طب و پزشکی نوشته شده است. (حسینی، ۱۳.ه.ق: ۲۲)

رقعه سی و هشت را در جواب نامه دوستی نوشته است که درباره ایمان سؤالاتی پرسیده است. «...عزیز من در زجاج قلب تا سراج یقین مشتعل نشود و مشکات قالب را از نور ایمان فروغ نرسد...» رقععه موضوع عرفانی دارد. (حسینی، ۱۳.ه.ق: ۲۴)

رقعه چهل و یکم را در وحدانیت خداوند نوشته و آن را به دعای وحدت مزین کرده است. «نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ لَا نَعْبُدُ إِلَّا آيَاهُ، حقا که آذر خاطر را سوای کسب صورت آن صنم یاد آن محب حقیقی کاری نیست...» آرایه این رقععه، تلمیح به داستان حضرت ابراهیم است. این رقععه مضمون عرفانی دارد. (حسینی، ۱۳.ه.ق: ۲۸)

رقعهٔ چهل و سوم در سفارش به دوری از نفاق و روی آوردن به اخلاص نوشته شده است. «...عزیز من غنچهٔ دلی که از برودت نفاق قبض حاصل کرد از نسیم تکلف کی شکفته گردد؟... قفل در حجرهٔ رضا، غیر از کلید اخلاص گشایش نجویند...». رقعہ مضمون تربیتی دارد. (حسینی، ۱۳۰۵: ق: ۳۰)

رقعهٔ چهل و پنجم را به دوستی مشتمل بر کیفیت احوال خود نوشته است. «...چون کلید هلال ذیحجه قفل اقامت اجمیر گشود، تقدیر ربقهٔ آبشخور دکن در رقبهٔ عزم انداخته به آن صوب کشید، هر آینه عزم جزم نموده متوجه آن دیار است...». آخر رقعہ مزین به حدیثی از حضرت علی (ع) می- باشد. (ص ۳۱)

رقعهٔ چهل و ششم در بی‌قراری از شدت فراق نوشته است. «...الله تعالی موسی صفتان تیه حرمان را که در کوه طور سینای شوق، ایشان را سبزهٔ لن ترانی می‌روید، استیلای فرعون فراق را چه شرح دهد؟...». این رقعہ آرایهٔ تلمیح دارد. (حسینی، ۱۳۰۵: ق: ۳۵)

رقعهٔ چهل و هفتم به خدمت کسانی نوشته شده که از واهمهٔ فرزند ناخلف، عمر عزیز خود را تلف کردند. «...آنکه واهمهٔ فرزند ناخلف کردند، محض و ساوس شیطانی و هواجس نفسانی خواهد بود...». این رقعہ مزین به آیهٔ ۵۸ سورهٔ اعراف است و موضوع اخلاقی دارد. (حسینی، ۱۳۰۵: ق: ۳۴)

رقعهٔ چهل و هشتم متضمن بر این است که شخصی را به سبب افشاگری سیری، مقصر شمرده - بودند؛ امان‌الله با نوشتن این رقعہ از آن شخص رفع تقصیر و گمان بد، کرده است. «...اگر چه از رسمیات ظاهری مقصر است خدا آگاه است که نقش محبت از صفحهٔ عقیدت او محو نشد و اگر باور نیفتند صورت این حال در آینهٔ خیال تصور فرمایند...». رقعہ مضمون اخلاقی، اجتماعی دارد. (حسینی، ۱۳۰۵: ق: ۳۶)

رقعهٔ چهل و نهم به شادباش گفتن عروسی به یکی از یاران خود نوشته است. «...الله تعالی آن قران- السعدین را مبارک و میمون کناد...». واج‌آرائی این رقعہ را برجسته کرده است. امان‌الله این رقعہ را به طرز نصیحت نوشته و آنها را به گذشت در زندگی سفارش کرده است. «زنها را تا از آن آفتاب صبح صبا به شام شباب مبدل نشود...». رقعہ مضمون اجتماعی و تعلیمی دارد. (حسینی، ۱۳۰۵: ق: ۳۷)

رقعهٔ پنجاه را در وفای به عهد نوشته است و از آیهٔ ۳۴ سورهٔ اسراء استفاده کرده است. «...و آنکه صورت عهد مراجعت در آینهٔ اَوْفُوا بِالْعَهْدِ متصور نشد، این مشتاق را در آن مدخلی نیست...». (حسینی، ۱۳۰۵: ق: ۴۰)

رقعهٔ پنجاه و دوم را با حدیثی از پیامبر (ص) که " فقر مایهٔ سیاه‌رویی در هر دو جهان است " شروع کرده و با شعر زیبایی از سعدی به پایان رسانیده است. در مذمت فقرایی که سراسر خواش و سراپا

طمعند و نکته دیگری که در این رقعۀ آن را مورد توجه قرار داده این است که از ظاهر چیزی یا کسی نمی‌توان به باطن آن پی برد... آدمی را ساحت دل از غبار خواهش پاک باید کردن تا گردن حیات او به کمند اجل بسته نگردد...». رقعۀ مضمون اخلاقی، تربیتی دارد. (حسینی، ۱۳۰۳: ق: ۴۱)

رقعۀ پنجاه و چهارم را با مضمون تربیتی، اخلاقی، در باب دوری از همنشین بد، در سفارش دوستی که خواهان ملازمت با سالارخان بود، نوشته است و در این آیه هم از حدیث نبوی و هم از آیه ۳۸ سوره زخرف استفاده کرده است. «...حامل محبت نامه سیمرخ قاف عشق مجازی است، مدتی است که با سفینه آبروی نگاری که به آن جناب کار و باری دارد، طناب ساخته، ملاحی می‌کند...» (حسینی، ۱۳۰۳: ق: ۴۳)

رقعۀ پنجاه و ششم را امان الله به والا مقام خود نوشته است و از او درخواست کرده که به وی توجه معنوی عنایت کند... چون مصباح قبولیت این جانب از مشکات هدایت آن جناب روشن است، پیوسته روغن امداد خود را از فتیله استعداد او دریغ ندارند...». در این رقعۀ از علامت جمع «ان» برای غیر معقول و تضمین استفاده کرده است. (حسینی، ۱۳۰۳: ق: ۴۵)

رقعۀ شصت و یک را به خدمت اخوان الصفا میرکمال در حالی که فرزند دختری در خانه‌اش متولد شده بود و از امان الله درخواست اسم کرده بود، نوشته است. «... حسب الاشارات در باب تسمیه رجوع به باطن نمود بعد از تکرار مشاهده در آینه شعور صورت اسمی که از عالم غیب به مدد ظهور آمد بی‌بی حنیفه بود...». (حسینی، ۱۳۰۳: ق: ۵۰)

رقعۀ شصت و دوم را با موضوع اخلاقی، اجتماعی، به عزیزی برای تسکین و تسلی دادن به جهت از دست دادن اموالش نوشته است «... محبوب القلوبا به مضمون تلف المال خلف العمر تسلی باید داد...». آرایه بارز این رقعۀ، کاربرد مصدر مرخم و تشبیه است. (حسینی، ۱۳۰۳: ق: ۵۱)

رقعۀ شصت و ششم را به خدمت عزیزی که به سبب دروغگویی دربانان اتفاق ملاقات دست نداده بود، نوشته است. «... بلی چون عنقای ملاقات در قاف قسمت منزوی نیست، بی‌نصیبی که دام شکار آن در بادیۀ آرزو نهند غیر از مرغ باد چه حاصل آید...». آنچه باعث برجستگی این رقعۀ شده استفاده از تلمیح است. (حسینی، ۱۳۰۳: ق: ۵۸)

رقعۀ شصت و هفتم با موضوع تربیتی، در جواب نامه دوستی در رد حسد و کینه نوشته شده و با استفاده از آرایه سجع به زیبایی کلام افزوده است «... حسدنامه که با برودت و افسردگی تمام اصدار یافته بود، دل‌های دوستان را حرارت بخشید، این کارخانه تقدیر است نه دیوار خانه حسد و تزویر...». ویژگی بارز این رقعۀ استفاده از سجع متوازی از نوع ترصیع است. (حسینی، ۱۳۰۳: ق: ۶۰)

رقعه شصت و نهم را با مضمون تربیتی، در باب احسان و نیکی نمودن به خلق به طریق موعظه نوشته و آن را با آیه ۱۵۹ سوره بقره مزین کرده است «... أَحْسَنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» خوشا نیکبختی که همت تلافی و رغبت اعانت خانواده بر ذمه توجه خود، لازم و واجب دارند...» این رقعه آرایه تضمین دارد. (حسینی، ۱۳۰۵:ق: ۶۲)

رقعه هفتاد و یک را در جواب نامه شخصی که در شکایت از زمانه نوشته بود، آورده و با آوردن حدیث نبوی به مفهوم کلام کوشیده است. «... آنکه از نکایت شکایت روزگار غدار، به کلک اختصار مندرج بود، به وضوح پیوست چون «الدُّنْيَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِينَ وَ جَنَّةُ الْكَافِرِينَ...» (حسینی، ۱۳۰۵:ق: ۶۴)

رقعه هفتاد و سوم را به خدمت صالحه گلشن (زوجه خود) نوشته و در حق او دعای خیر کرده است. «...الله تعالی آن سرمایه گلشن عفت و نوباوه گلبن عصمت را از جویبار صلاح سرسبز و شاداب داراد...» ویژگی استفاده از افعال دعایی و استفاده از جناس در این رقعه بارز است. (حسینی، ۱۳۰۵:ق: ۶۶)

رقعه هفتاد و چهارم را به عزیزی که بدون نمودار شدن ریش و سبیل؛ یعنی در عنفوان جوانی و خام بودن قصد سفر کرده بود که امان الله او را از این کار منع کرده و گفته صبر پیشه کن تا وقت سفر برسد و نزد بزرگان بی اعتباری دست ندهد. «...پا منه بیرون زحد گوشه ای آسوده باش، دُر که بیرون از صدف شد در جگر سوراخ یافت...» این رقعه مضمون اخلاقی دارد. (حسینی، ۱۳۰۵:ق: ۶۷)

رقعه هفتاد و شش را به خدمت پدر بزرگوارش مشتمل بر بیان آرزوی خود نوشته است. «...تمنای شوق ملازمت و آرزوی ذوق خدمت چه بیان نماید که همیشه بوتیمار خاطر، در دجله یاد آن مخدومی گرفتار و حیران است تا ماهی مقصود در منقار آرد...» ویژگی بارز این رقعه استفاده از تشبیه است. (حسینی، ۱۳۰۵:ق: ۶۹)

رقعه هفتاد و هشت را با مضمون اخلاقی در جواب نامه شیخ جمال الله نوشته و از این که به نفس خود ظلم کرده اظهار پشیمانی می کند. در این رقعه از آیه ۲۳ سوره اعراف استفاده کرده است و از خدا طلب بخشش می کند. «...هر چند می خواست سوانح احوال را نجامه اخلاص نگارشی دهد؛ لیکن یگانگی قرب ضمیر اجازت نداد، هر آینه نادم از سلوک ماضی است...» (حسینی، ۱۳۰۵:ق: ۷۲)

رقعه هشتادم را در جواب نامه دوستی که تعلقات دنیا را ترک کرده بود نوشته است. «سعادتمندی که صورت لا بقا در آینه قول و فعل به دیده تحقیق ملاحظه فرمود، لا علاج دست عمل آن، گریبان از عروس گیتی باز نمود...» (حسینی، ۱۳۰۵:ق: ۷۶)

رقعه هشتاد و یک را در جواب کسی که در باب تصوف جستجو و پرسش می‌کرد، نوشته است: «عزیز من تصوف حسن خلق است و کسی که از حسن خلق بهره ندارد، در زمره صوفیان بی‌نصیب است». رقععه مضمون عرفانی دارد. (حسینی، ۱۳۰۵:ق:۷۷)

رقعه هشتاد و دو را به خدمت مرشد خود متضمن بر نامه‌رسانی و ناقدردانی نوشته و بیتی از حافظ در ابتدای رقععه آورده است: «بی‌مزد بود و منت هر خدمتی که کردم، یارب مباد کس را مخدوم بی‌عنایت، قبله آگاه، عالم السرّ والخفیات نیک آگاه است که فقیر حقیر پیوسته جواهر ذکر آن ظهیر سریر کرامت را در سلک تعظیم و توقیر صورت تنظیم می‌دهد...» رقععه مضمون اخلاقی، تربیتی دارد. (حسینی، ۱۳۰۵:ق:۷۷)

رقعه هشتاد و سوم در جواب نامه شیخ محمد ماه نوشته بود که از امان‌الله درخواست کرده در حق او توجه و عنایت کند. امان‌الله خود را به آفتاب تشبیه کرده است که کسی نمی‌تواند در برابر او «عرض حال خویش گوید» و نیز خود را به دریای پر مخاطره تشبیه کرده که کسی نمی‌تواند از او عبور کند. (حسینی، ۱۳۰۵:ق:۸۰)

رقعه هشتاد و پنج را به خدمت شیخ بدرالدین در تنبیه اینکه به وعده خود خلاف عمل کرده بود نوشته است. «...آنکه نقش وفا از لوح وعده خلاف ظاهر نشد، باعث آن چه باشد؟...» رقععه موضوع اخلاقی دارد. (حسینی، ۱۳۰۵:ق:۸۲)

رقعه هشتاد و ششم را امان‌الله در باب نصیحت به کسانی نوشته که سودا و جنون، هوی و هوس در هم می‌آمیزند و باعث آزار دیگران می‌شوند. «... گلشن مزاجا دل شیشه به سنگ بی‌التفاتی شکستن بسیار آسان است؛ لیکن پیوند آن به غایت مشکل...». کاربرد وجه وصفی، اضافه کردن «ه» غیر ملفوظ به بن ماضی، این رقععه را برجسته کرده است. (حسینی، ۱۳۰۵:ق:۸۳)

رقعه نود و یک را با موضوع تربیتی در باب نصیحت و سفارش به مدارا و مهربانی در همه حال، نوشته است. «...یک بار دردمندی را با مال و ملال امداد کردن و دیگر بار به کلال و ملال آزردن ساختن، سنت کریمان نیست...» (حسینی، ۱۳۰۵:ق:۸۹)

رقعه نود و سوم را در توبیخ و ملامت ظالمی که مظلومی را اذیت و آزار می‌کرد نگاشته و مردم آزاری را به شدت نکوهش کرده است. «...ظالم اگر چه بر گمان و قیاس خود نتیجه ثواب داند؛ لیکن عاقبت کار قصه مر او را نتیجه عکس خواهد داد...». این رقععه مضمون اخلاقی، اجتماعی دارد. (حسینی، ۱۳۰۵:ق:۹۱)

رقعه نود و ششم را با موضوع تربیتی، به کسی می نویسد که بسیار خود بینی و خودنمایی می کرد، به طریق وعظ این کار را نهی کرده است «...رشته مرغ حوصله را از باده فرو هشتن و در آسمان بلندپروازی، پرواز دادن و به نسبت دیگران خود را عزیز پنداشتن؛ شیوه بزرگان نیست...» (حسینی، ۱۳.ه.ق: ۹۳)

رقعه نود و هفتم را با مضمون اخلاقی، تربیتی، در نکوهش خیانت نوشته و خاطر آدمی را به آشیانه ای تشبیه کرده که اگر مرغ عناد در آن تخم نهاد تبدیل به نفاق می شود «...زنهار که از مشاطه زبان عروس نفاق را به آب و رنگ شکایت گل گونه نبخشی و خورنق وفا را از خس و خاشاک مخالفت و وفا مملو ساخته، بی رونق نسازی...» (حسینی، ۱۳.ه.ق: ۹۴)

رقعه نود و نه را در شرح معمای اسم بهار نوشته است که این رقعہ مخدوش می باشد. (این رقعہ مضمون علمی دارد. (حسینی، ۱۳.ه.ق: ۹۶)

نتیجه

دانش ترسل و منشآت نویسی یا نامه نویسی، به عنوان یکی از فنون انشاء و نویسندگی، در گستره فرهنگ و ادب فارسی جایگاه ویژه ای دارد و از دانشهای ریشه دار در زبان فارسی است که تقریباً آغاز آن از قرن ششم است و پیشرفت این علم و استفاده از اقسام آن تا زمان حال ادامه دارد. به طور کلی منشآت از نظر ادبی، تاریخی، اجتماعی و سیاسی، ارزش و اهمیت بسزایی دارد و پرداختن به آنها در حیطه تحقیقات تاریخی و پژوهشهای ادبی و جز آن، ضروری می نماید. با مطالعه و بررسی نسخه خطی میرزا امان الله حسینی، به نکات اخلاقی (رقعه های اول، ششم، هفتم، یازدهم، چهل و چهار و پنج) تربیتی (نود و شش) علمی (نود و نه)، طبی (رقعه چهل و هفت) اجتماعی (چهل و هشت) می توان پی برد. میرزا امان الله در مواضع بسیاری تحت تاثیر سعدی در گلستان است و می توان اثر او را دنباله سبک مقامه نویسی که از کلیله و دمنه آغاز و در مرزبان نامه و مقامات حمیدی تکمیل می شود و سعدی نیز تحت تاثیر مقامه نویسی همراه با سبک شخصی آن را پی می گیرد. دانست. امان الله نیز این سبک را در قالب رقعہ می نویسد و دنباله روی سبک سعدی است. این نسخه تا کنون در ایران به چاپ نرسیده است و متن رقعہ ها علاوه بر ارزش ادبی حاوی اطلاعات بسیار ارزشمند می باشد.

منابع

۱- قرآن مجید

- ۲- بیهقی، ابوالفضل، تاریخ بیهقی، به کوشش دکتر خطیب رهبر، تهران، مهتا، ۱۳۷۵
- ۳- بهار، محمد تقی، سبک‌شناسی، ج ۱، تهران، نشر امیر کبیر، چاپ پنجم، ۱۳۶۹
- ۴- ثابتیان، ذبیح‌الله، اسناد و نامه‌های تاریخی و اجتماعی دوره صفویه، تهران، ابن سینا، ۱۳۴۷
- ۵- حسینی، میرزا امان‌الله، رقعات، شماره خطی ۷۵۸۴، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۲۱۱
- ۶- _____، رقعات، شماره اموالی ۴۲۳۳۹، شماره خصوصی ۲۵۷، کتابخانه و موزه آستان قدس رضوی، قرن ۱۲.
- ۷- _____، رقعات، شماره بازیابی ۵-۶۶۲، کتابخانه و مرکز اسناد ملی تهران، ۱۲۴۴.
- ۸- جعفری، مسعود، آیین‌نامه مدیریت دولتی و نامه نگاری در دوران ساسانیان، فصلنامه مدیریت دانش سازمانی، سال سوم، ش ۲۸-۲۹، ۸: ۱۳۸۷.
- ۹- خطیب رهبر، خلیل، دستور زبان فارسی، تهران، سعدی، ۱۳۶۱.
- ۱۰- خطیبی، حسین، فن نثر در ادب فارسی، تهران، زوار، چاپ سوم، ۱۳۶۸.
- ۱۱- _____، سبک‌شناسی یا تاریخ تطور نثر پارسی، تهران، زوار، ۱۳۷۵.
- ۱۲- خیامپور، عبدالرسول، دستور زبان فارسی، تهران، ستوده، ۱۳۸۶.
- ۱۳- شفاهی، احمد، دستور زبان فارسی، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۳.
- ۱۴- شمیسا، سیروس، سبک‌شناسی، تهران، میترا، ۱۳۹۰.
- ۱۵- صاحبی، محمد، نگاهی به نامه نگاری در ادبیات عربی و تأثیر آن بر فن ترسل فارسی، کتاه ماه ادبیات ش ۲۷: ۵۲-۵۷، ۱۳۸۸.
- ۱۶- صفا، ذبیح‌الله، گنجینه سخن، جلد اول، تهران، سپهر، ۱۳۴۸.
- ۱۷- _____، تاریخ ادبیات در ایران، تهران، فردوس، چاپ سیزده، ۱۳۷۲.
- ۱۸- فخرالزمانی، ملا عبدالنبی، تذکره میخانه، تهران، انتشارات حاج محمدحسین اقبال، چاپخانه سپهر، ۱۳۳۸.
- ۱۹- گرجی، مصطفی، آیین پژوهش در زبان و ادبیات، چاپ اول، کلک سیمین، ۱۳۹۰.
- ۲۰- گلچین معانی، احمد، کاروان هند، مشهد، انتشارات آستان قدس، ۱۳۶۹.

- ۲۱- گیوی، احمد، دستور زبان فارسی، تهران، قطره، ۱۳۴۸.
- ۲۲- مایل هروی، نجیب، تاریخ نسخه‌پردازی و تصحیح انتقادی نسخه‌های خطی، تهران: انتشارات، ۱۳۶۹.
- ۲۳- منتجب الدین بدیع، عتبه‌الکتابه، به اهتمام علامه قزوینی و عباس اقبال، تهران، ۱۳۲۹.
- ۲۴- مهدی‌زاده، مهدی، تاریخچه منشآت در ادب فارسی، کیهان فرهنگی، ش ۱۵۴، ۶۴-۶۷، ۱۳۷۵.
- ۲۵- ناتل خانلری، پرویز، دستور زبان فارسی، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۷۵.